

شرط عدم فرزندآوری در عقد نکاح

عکس: Bigstock.com/olesiabilkei

موسی برزین خلیفه لو - پژوهشگر حقوقی

به یقین می توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق زنان و مردانی که با یکدیگر ازدواج می کنند در طول حیات مشترک خود صاحب فرزند می شوند. به طوری که فرزندآوری در عرف و عادت ملتها به یک امر ضروری حیات مشترک تبدیل شده است.

اما ممکن است زوجهایی یافت شوند که تمایل به فرزندآوری نداشته باشند. این عدم تمایل ممکن است از ناحیه یکی از زوجین یا هر دو آنها باشد. در این مواقع پرسش این است که آیا حقوق چنین قصدی را به رسمیت خواهد شناخت؟ یعنی آیا تصمیم یکی از زوجین یا هر دو آنها قانونی خواهد بود؟

به عنوان مثال ممکن است زوجین به هنگام عقد نکاح یا پس از آن با یکدیگر توافق نمایند که صاحب فرزند نشوند و این امر را ضمن سندی ملتزم شوند. آیا چنین توافقی از لحاظ حقوقی صحیح بوده و زوجین ملزم به رعایت آن هستند؟ یا ممکن است بدون توافق قبلی و بدون وجود شرط و سندی، یکی از زوجین مایل به فرزندآوری نبوده و از فرزند دار شدن خود جلوگیری کند حال آنکه زوج دیگر اصرار بر فرزند داشته باشد.

در این مواقع آیا حقوق می تواند وارد این اختلاف شده و به حل و فصل آن پردازد یا اینکه آزادی اراده ملاک عمل بوده و قوانین صلاحیت لازم برای دخالت در تصمیم آنها را نخواهد داشت؟

ممکن است زوجین دارای یک فرزند شده باشند و پس آن به عنوان مثال شوهر خواهان فرزند دوم نیز باشد اما زن تمایلی به باردار شدن مجدد نداشته باشد. یا اینکه از ابتدای زندگی مرد زن را از باردار شدن و فرزندآوری به نحوی از انحاء منع و محروم کند.

به عبارت کلی سوال اینجاست که آیا فرزندآوری تکلیف زوجین است و توافق بر خلاف آن ممکن نیست و یا اینکه فرزندآوری امری در حیطه زوجین بوده و حقوق شایستگی دخالت در این امر را ندارد؟ در این نوشته به موضوع اول یعنی شرط عدم فرزندآوری در عقد نکاح خواهیم پرداخت. عدم تمایل یکی از زوجین به فرزندآوری نیز در مباحث بعدی بررسی خواهد شد. قابل ذکر است بررسی مبنایی و فلسفی موضوع از توان این نوشته خارج است و صرفاً حقوق ایران در این مورد مطالعه خواهد شد.

اصل صحت شرط

همانطور که در بالا اشاره شد، می توان فرض کرد که زوجین به هنگام عقد یا پس از آن طی یک سند رسمی توافق کنند که در زندگی مشترک صاحب فرزند نشوند و حق فرزند دار شدن را از خود ساقط کنند.

در اینجا لازم است بررسی کرد که در حقوق ایران کدام شرطها باطل و اعتبار قانونی ندارند. لازم به ذکر است که اصل بر این است که تمامی شروطی که در یک عقد گزاردده می شوند صحیح است مگر اینکه برخلاف آن قوانین و مقررات آمره ای وجود داشته باشد. یعنی اصل صحت نسبت به شروط نیز صادق است. بنابراین لازم است شروط باطل در قانون مدنی بررسی شده و مشخص کرد که آیا شرط عدم فرزندآوری در نکاح از زمره آنها خواهد بود یا نه.

شروط بر خلاف مقتضای عقد

بر اساس قانون مدنی ایران، برخی از شروط علاوه بر اینکه باطل هستند، عقد را نیز باطل می کنند. ماده 233 قانون مدنی در این مورد مقرر کرده است که: « شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است:

1- شرط خلاف مقتضای عقد

2- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.»

به عنوان مثال اگر در قرارداد خرید و فروش یک ماشین شرط شود که خریدار مالک خودرو نخواهد شد و فروشنده نیز حقی بر پول پرداخت شده از طرف خریدار را نخواهد داشت، این شرط نه تنها اینکه باطل است بلکه قرارداد را نیز باطل می کند. به این نوع شرط اصطلاحاً شرط خلاف مقتضای ذات عقد می گویند. زیرا در قرارداد خرید و فروش یا بیع، هدف غایی این است که طرفین مالی را مالک شوند و اگر این امر اتفاق نیافتد انعقاد قرارداد بی فایده خواهد بود.

حال همین مساله در عقد نکاح نیز صادق است، اما ویژگیهای خاص نکاح باعث شده است که نتوان به طور دقیق مشخص کرد که مقتضای ذات نکاح چیست که نتوان برخلاف آن شرط نمود. به عبارتی لازم است ابتدا روشن کرد که هدف غایی و اصلی ترین دلیلی که زن و مردی با یکدیگر ازدواج می کنند چیست؟ در این مورد بحثهای بسیاری بین حقوقدانان صورت گرفته است به طوری که نظر قطعی و مشخصی در این زمینه وجود ندارد.

اما بسیاری گفته اند که وجود رابطه جنسی بین زن و شوهر از مقتضای عقد نکاح محسوب می شود که نمی توان برخلاف آن توافق کرد. یعنی اگر زوجین توافق کنند که در دوران حیات مشترک هیچ گونه رابطه جنسی نخواهند داشت، این توافق باطل بوده و عقد نکاح را نیز باطل می کند. (1) اما آیا فرزند آوری نیز مقتضای ذات عقد و از اهداف غایی ازدواج است؟

در پاسخ می توان گفت فرزند آوری را نمی توان مقتضای ذات عقد دانست زیرا فرزندآوری از نتایج احتمالی ازدواج است و زن و شوهر صرفاً به دلیل فرزندآوری یا یکدیگر ازدواج نمی کنند. اگر فرزند آوری را مقتضای ذات نکاح بدانیم در آن صورت لازم است ازدواج افراد نابارور ممنوع شود حال آنکه این گونه افراد حق ازدواج دارند. از طرف دیگر دقت به مواردی که به موجب آن یکی از زوجین حق فسخ نکاح را دارا می شوند نشان می دهد که از دست دادن قابلیت فرزندآوری از جمله این موارد نمی باشد.

ماده 1122 و 1123 عیوبی را که در زن و مرد باعث حق فسخ در دیگری می شود را بیان کرده است. بیماریهایی همچون «در مرد یا «در زن همگی باعث عدم توانایی در ارتباط جنسی می شوند حال آنکه علی رغم وجود این بیماریها فرزند دار شدن امکان پذیر است، بنابراین می توان به این نتیجه رسید که در حقوق ایران عدم فرزند آوری به اهمیت عدم قابلیت ارتباط جنسی نبوده است و به همین جهت قانونگذار فرزندآوری را از مقتضیات ذات عقد نکاح ندانسته است. با این استدلال به نظر می رسد شرط عدم فرزندآوری مشمول ماده 233 نخواهد شد

شروط باطل

با اینکه اصل بر این است که شروط ضمن عقد صحیح است اما قانونگذار برخی شروط را بدون اینکه به اصل عقد خللی وارد سازد، باطل دانسته است. یعنی شرط باطل بوده اما عقد صحیح است. ماده 232 قانون مدنی شروط باطل را این گونه بیان کرده است: « شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست:

- 1 شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد.
- 2 شرطی که در آن نفع و فایده نباشد.
- 3 شرطی که نامشروع باشد.»

حال باید بررسی کرد که شرط عدم فرزندآوری از جمله موارد بالا است یا خیر؟ مورد اول شرط غیر مقدور را باطل دانسته است در خصوص مورد اول به یقین می توان گفت که شرط عدم فرزندآوری غیر مقدور نیست زیرا به راحتی می توان از بارداری جلوگیری کرد.

در مورد شرط دوم نیز همچنین است نمی توان گفت که در شرط عدم فرزندآوری هیچ نفع و فایده ای وجود ندارد. به عنوان مثال می توان گفت اگر زن و مرد شرط کنند که مرد موظف است هر روز سنگی را به چاهی انداخته و درآورد، این نوع از شرطها عقلانی نبوده و خالی از فایده است بنابراین باطل است حال آنکه شرط عدم فرزندآوری را نمی توان بی فایده و غیر عقلانی دانست.

ممکن است زن و شوهر علاقه ای به فرزند نداشته و مایل باشند حیات را صرف خود کنند تا دیگری. در خصوص مورد سوم یعنی شرط نامشروع باید گفت که منظور از این مورد موارد غیر شرعی و غیر قانونی است.

به عنوان مثال اگر زوجین شرط کنند که می توانند با شخص دیگری نیز ارتباط غیر شرعی داشته باشند این شرط باطل است و یا اینکه چنانچه توافق کنند زن مستحق مهریه و نفقه نیست. این شرط نیز باطل خواهد بود اما در قوانین و شرع صحبتی از باطل بودن شرط عدم فرزند آوری به میان نیامده است به همین جهت شرط عدم فرزند آوری نیز مشمول ماده 232 نبوده و از این جهت صحیح است.

محروم کردن خود از حقوق مدنی

در اینکه انسانها در تعیین سرنوشت خود آزاد هستند هیچ شکی نیست اما برخی ها معتقدند که آزادی در تعیین سرنوشت خود مطلق و بی قید و شرط نیست. از این جهت قانون مدنی ایران در ماده 959 مقرر کرده است که: «هیچکس نمی تواند بطورکلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.» در مورد این ماده و اینکه منظور از حقوق مدنی چیست بحثها و نظرات بسیاری از طرف حقوقدانان ارائه شده است. (2)

ممکن است این گونه استدلال شود که با توجه به اینکه دارا شدن فرزند از حقوق پراهمیت مدنی است بنابراین با استناد به ماده فوق زن و شوهر نمی توانند این حق را از خود سلب کنند.

اما آنچه که از این ماده به نظر می رسد این است که حقوق کلی و اساسی قابل اسقاط نیستند. از جمله حق مالکیت و دارا شدن اموال، حق آزادی تن و حرکت، حق داشتن شغل و مواردی از این قبیل. به نظر نمی رسد فرزند آوری از جمله حقوق کلی و اساسی باشد. از طرف دیگر فرزند آوری صرفاً قائم به شخص نبوده و امری است که با اشتراک فرد دیگری حاصل می شود.

اگر فردی به طور کلی حق فرزند دار شدن را از خود سلب کند شاید مشمول این ماده باشد لکن چنانچه زن و مردی شرط کنند در طول زندگی مشترک فرزند نخواهند داشت این شرط به معنای اسقاط کلی حق تولید نسل نخواهد بود.

به عبارتی اسقاط حق تولید نسل به طور کلی می تواند مشمول ماده 959 قانون مدنی شده و باطل باشد اما توافق بر سر عدم فرزندآوری مابین زوجین دقیقاً مترادف با اسقاط حق تولید نسل نبوده و از این جهت می توان گفت امکان پذیر خواهد بود.

.....

1- برای مطالعه در مورد مقتضای عقد نکاح و رابطه زناشویی مراجعه کنید به: جمشید جعفرپور و سهیل ذوالفقاری، وابستگی اقتضای ذات نکاح به روابط زناشویی، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال 3، شماره 4، تابستان 1390

2- برای مطالعه در این زمینه رجوع کنید به: فریبرز ایمانیان، عبدالله شمس و محمد عیسی تفرشی، تفسیر حقوق مدنی در قانون مدنی، مجله مدرس علوم انسانی، دوره 7، شماره 1، بهار 1382